



بررسی تمایلات جمع گرایانه روان شناختی و سبک های دلبستگی در نوجوانان

بزهکار و همسالان غیربزهکار

علی اکبر ارجمندنیا^۱، نعیمه عظیمی^۲، سهیلا احمدی^۳

۱- دانشیار دانشگاه تهران، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی arjmandnia@ut.ac.ir

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی (دانشگاه تهران) azimi.1362@yahoo.com

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روانشناسی گرایش کودکان با نیازهای ویژه (دانشگاه شیراز)

ssoheilaa.aahmadii@gmail.com

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی تمایلات جمع گرایانه روان شناختی و سبک های دلبستگی بر روی ۱۴۵ نفر از نوجوان دختر ۳۳ بزهکار و ۱۱۲ غیر بزهکار در دامنه سنی ۱۸-۱۴ سال که به شکل خوشه ای و در دسترس انتخاب شده بودند در تهران انجام گرفت. جهت بررسی متغیرها از پرسشنامه های جمع گرایی روانشناختی و پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید استفاده شد. یافته ها براساس روش های آماری رگرسیون لجستیک، رگرسیون چندگانه، تحلیل واریانس چند متغیری، همبستگی پیرسون و آزمون T گروه های مستقل، نشان داد: سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، پیش بینی کننده بزهکاری و یا عدم بزهکاری در نوجوانان می باشد و نوجوانان بزهکار بیشتر از غیربزهکار دلبستگی ناایمن اجتنابی دارند. در دو گروه، جمع گرایی روانشناختی پیش بینی کننده بزهکاری نوجوانی نمی باشد. همچنین بین دو متغیر دلبستگی ناایمن اجتنابی و جمع گرایی روانشناختی در نوجوانان بزهکار و بین دلبستگی ایمن و جمع گرایی روانشناختی در نوجوانان غیربزهکار رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

کلید واژگان: نوجوانی، بزهکاری، جمع گرایی روانشناختی، سبک های دلبستگی



مقدمه

نوجوانی به دوره ای اطلاق می‌شود که بین کودکی و بزرگسالی است. به همین دلیل غالباً یک دوره انتقالی است. این دوره همراه با تغییرات عمده جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی است که غالباً از حدود ده الی دوازده سالگی شروع شده و در بسیاری از کشورهای جهان در سن بیست سالگی خاتمه می‌یابد (Sawyer, Azzopardi, Wickremarathne, & Patton, 2018). در این دوره نوجوانان به تدریج دارای استقلال و عدم وابستگی به نگاره‌ی اولیه دلبستگی می‌گردند (Susan Nolen-Hoeksema, Barbara L. Fredrickson, Geoffrey R. Loftus, & Christel Lutz, 2015).

اینزورث^۱ و همکارانش سه نوع الگوی (دلبستگی) را مشاهده کردند: (۱) نوزادان با دلبستگی ایمن (۲) نوزادان نا ایمن - اجتنابی (۳) نوزادان نا ایمن دوسوگرا (Bowlby & Ainsworth, 2013). پژوهش‌ها حاکی از آن است که دلبستگی نا ایمن، قوی‌ترین عامل پیش‌بینی کننده کج رفتاری‌ها می‌باشد (Fairbairn et al., 2018). یکی از پیامدهای آن در رابطه با بزهکاری و رفتارهای ضد اجتماعی در میان نوجوانان می‌باشد. نظریه‌ی هیرشی احتمالاً معتبرترین پیامد آن است و بهتر می‌تواند پاسخ‌گوی پژوهش‌های رشدی در حیطه‌ی خانواده و بزهکاری باشد. تمرکز اصلی این نظریه بر معکوس بودن رابطه‌ی بین دلبستگی والدین - کودک و بزهکاری می‌باشد (Hirschi & Gottfredson, 1993).

کودکانی که در پیوندهای عاطفی و یا ارتباط با مراقبانشان شکست می‌خورند، الگوی کارکرد درونی را در مورد دیگران به صورت عدم اعتماد و عدم توجه به دیگران شکل می‌دهند که منجر به دامنه وسیعی از صفات و ویژگی‌های بی عاطفگی و بزهکاری می‌شود (Khanjani, Mahmoud Alilou, & Ahmadi, 2020). این امر بیان‌گر آن است که خانواده نقش موثری در شکل‌گیری شخصیت فرد دارد. خانواده اساسی‌ترین نهاد جامعه، به ویژه در سال‌های حساس اولیه زندگی کودکان است. خانواده‌ی ازهم پاشیده که دارای ویژگی‌های منحرف کننده، عدم مراقبت‌های بهداشتی دقیق والدین و بی توجهی آنان به

¹ . Mary Ainsworth



امر تعلیم و تربیت فرزندانشان می‌باشد، احساس کجروی در کودکان را پایه ریزی می‌کند. این امر در نوجوانی با شدت و حدت بیشتری ظاهر می‌گردد (Nevisi, 2019).

حمایت‌های خانوادگی پایین با مشکلات رفتاری، روانی و اضطرابی در کودکی و نوجوانی ارتباط دارد (Lawrence, Rooke, & Creswell, 2017; LeMoult et al., 2020) محتملاً این گروه از نوجوانان در دوران کودکی دستخوش بی‌مهری‌ها، بهره‌کشی‌ها و رفتارهای خشونت آمیز از سوی والدین قرار گرفته‌اند. این امر، عواقبی را برای رشد و بهزیستی نوجوان به همراه دارد، از قبیل رفتارهای ناسازگارانه (بزهکاری، سوء مصرف مواد مخدر و...) که تأثیرات بلند مدت آن، کاسته شدن نیروی انسانی و کاهش مشارکت آن‌ها در عرصه اجتماع می‌باشد (Montgomery, Just-Østergaard, & Jervelund, 2019; Saputra, 2017). البته به غیر از خانواده، عوامل مهم دیگری، در پیدایش زمینه‌های بزهکاری در نوجوانان وجود دارد. به طور مثال، بررسی‌ها نشان می‌دهد، رابطه قابل توجهی بین محل زندگی و گرایش به ارتکاب جرم وجود دارد لذا یک عنصر مهم و حیاتی در رابطه بین جرم و محل زندگی خرده فرهنگ‌های قومیتی مختص آن محل می‌باشد (Hoffmann & Dufur, 2018).

انسان‌ها در محیط‌های فیزیکی بسیار متنوعی زندگی می‌کنند. آن‌ها دوست دارند احساس کنند که محیط، تحت کنترل آن‌هاست. در مواقعی که مردم این احساس کنترل را ندارند، دچار افسردگی می‌شوند (Alizadeh Aghdam, Banifateme, Abbaszadeh, & Soltani Bahram, 2017; Markus & Kitayama, 2010). هافستد (۱۹۸۳) اولین کسی بود که از لحاظ نظری دو مفهوم جمع‌گرایی^۱ و فردگرایی^۲ را بررسی کرد. او استدلال کرد که فردگرایی و جمع‌گرایی در مقابل یکدیگرند. در فرهنگ‌های فردگرا تأکید بر استقلال و مسئولیت‌های فردی است، در حالیکه در فرهنگ‌های جمع‌گرا عضویت در گروه‌ها و وابستگی‌ها حائز اهمیت است (Hofstede, 1983) دیگر نظریه‌پرداز که در این زمینه به فعالیت

¹ . Collectivism

² . Individualism



پرداخت، ترباندیس (۱۹۹۵) می‌باشد. وی دو مفهوم جمع‌گرایی و فردگرایی را به عنوان دو الگو و جهت‌گیری اجتماعی معرفی کرده است. اندیشه زیربنایی فردگرایی این است که افراد از گروه‌ها، مستقل، متفاوت و غیرصمیمی و فرادست می‌باشند در این الگو تأکید بر عدم وابستگی در ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و استقلال (عاطفی و رفتاری) به نحو مطلوب است که در نهایت منجر به اعتماد به نفس و کفایت در فرد می‌شود و اندیشه زیربنایی جمع‌گرایی، هویت جمعی، وابستگی عاطفی، گروهی، تقسیم کار و تعهد می‌باشد (Triandis, Bontempo, Villareal, Asai, & Lucca, 1988). در فرهنگ‌های فرد گرا، همچون ایالات متحده بیشتر قضاوت‌ها برخواست درونی مبتنی است. برعکس در فرهنگ‌های جمع‌گرا (مثل هند و چین) بیشتر دآوری‌ها بر عوامل محیطی مبتنی است. جمع‌گرایی و فردگرایی به عنوان نشانگانی مفهوم سازی شده است که برگزیده عقاید، نگرش‌ها، هنجارها، نقش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها در فرهنگ‌های متفاوت است (Suh & Choi, 2018). فردگرایی مفهومی است که در آن شخص خود را مجزا، مستقل و منفک از دیگران در نظر می‌گیرد. جهت‌گیری در این مفهوم به سمت خود و اسنادهای درونی است. جمع‌گرایی به ادراکی از خود بر می‌گردد که متمرکز بر نقش و روابط اجتماعی است. گرایش و جهت‌گیری در این مفهوم متمرکز بر دیگران و رفاه گروه یا اجتماع است. فرهنگ‌های غربی همچون ایالات متحده گرایش به فردگرایی دارند، در حالیکه فرهنگ‌های آسیایی گرایش دارند تا جمع‌گرا باشند (Takano & Osaka, 2018; Wong, Wang, & Klann, 2018). بنابراین این دو جهت‌گیری فرهنگی می‌تواند بر فرایند نوجوانی که در آن هویت‌یابی که عبارت از جدا شدن و استقلال از خانواده می‌باشد، تأثیرگذار باشد.

پس از خانواده از همسالان به عنوان دومین عامل جامعه پذیری نام برده می‌شود. معمولا کودکان متعلق به این گروه‌ها، موقعیت و وضعیت نسبتا مساوی و روابط نزدیکی دارند و به موازات رشد خویش زمان بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند. با افزایش نفوذ همسالان، نفوذ والدین رو به کاهش می‌رود. اکثر نوجوانان ترجیح می‌دهند، اوقات خود را با همسالان خود بگذرانند (Mishra, Maheswarappa, Maity, & Samu, 2018; Verhoeven, Poorthuis, & Volman,)



(2019). تاثیر گروه همسالان در دوره بلوغ به اوج خود می‌رسد. در این دوره نوجوانان با سلیقه‌ها، نحوه پوشش، اصطلاحات، نهادها، ارزش‌ها و قهرمانان خود، آماده شکل بخشیدن به یک خرده فرهنگ متمایز می‌باشند. گروه همسالان از طریق اعطای پاداش یا انتقاد و تحریم در قبال هم‌نوایی یا ناهم‌نوایی اعضا با هنجارهای گروه، تأثیر بسیار نیرومندی را بر رفتار و شخصیت اجتماعی آنان اعمال می‌نمایند (Howe, 2020).

بنظر می‌رسد فردگرایی بالاتر به عنوان یک عامل خطر در رفتار نوجوانان عمل می‌کند؛ این رابطه ممکن است منطقی به نظر برسد که نوجوانان فردگرایی که در معرض رفتارهای بزهکارانه خطرناک بوده‌اند، بیشتر احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه را دارا هستند. علت این امر آن است که نوجوانان جمع‌گرا قادرند، که پیامدها و عواقب احتمالی رفتارهای بزهکارانه را در ارتباط با والدین و دیگران و اجتماع در نظر بگیرند (Pokhrel et al., 2018). از سویی دیگر، نوجوانان فردگرا به طور ویژه تمایل به جلب توجه، ماجراجویی و خطر کردن در رفتارهای اجتماعی را دارند و در صدد اثبات خود به عنوان یک فرد مستقل از خانواده خود می‌باشند (Asghar & Ramezani, 2018).

فرهنگ پذیری افراطی از جامعه بیگانه، سهم به سزایی در بزهکاری و خشونت نوجوانی در میان نوجوانان آسیایی ایفا می‌کند. این فرهنگ‌پذیری مهاجران آسیایی و جنوب شرقی آسیا در (جامعه بیگانه)، می‌تواند منجر به تغییر در باورهای ارزشی و هنجارهای جامعه سنتی آن‌ها و تغییر در جهت‌گیری، از جمع‌گرایی به فردگرایی شود (Ward, Bochner, & Furnham, 2020) گفته می‌شود بزهکاری در میان نوجوانان آمریکایی- آسیایی در سالهای اخیر افزایش چشمگیری پیدا کرده است (Zhuo & Zhang, 2018). نوجوانان آسیایی و جنوب شرقی آسیا که به ایالات متحده مهاجرت می‌کنند، در نتیجه فرهنگ پذیری جامعه آمریکا، موجب تغییر در باورها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و تغییر یافتن جهت‌گیری از جمع‌گرایی به فردگرایی می‌گردند. شواهد بیان‌گر آن است که وجود ارتباط بین فرهنگ‌پذیری و جرائم و خشونت نوجوانی می‌تواند ناشی از تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های جمع‌گرایانه به فردگرایانه باشد (Ghasemi & Amiri, 2010) آنچه که ذهن پژوهشگر را درگیر



کرده این مسئله است که آیا کیفیت دلبستگی می‌تواند روی جهت‌گیری جمع‌گرایی تأثیر بگذارد و دیگر آنکه آیا این دو متغیر (سبک دلبستگی و جمع‌گرایی) به طور همزمان در ارتکاب فرد در رفتارهای بزهکارانه تأثیر دارند؟ لذا این تحقیق با هدف بررسی تمایلات جمع‌گرایانه روان‌شناختی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان بزهکار و همسالان غیر بزهکار انجام گرفت.

روش تحقیق

این مطالعه توصیفی علی‌مقایسه‌ای در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ در شهر تهران و بر روی ۱۴۵ نوجوانان دختر بزهکار (۳۳ نفر) و غیر بزهکار (۱۱۲ نفر) در دامنه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال انجام گرفت. از آنجا که دسترسی به کلیه نوجوانان بزهکار دختر شهر تهران عملاً امکان‌پذیر نبود، لذا در این تحقیق، جهت انتخاب گروه مذکور، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده گردید، که شامل کلیه نوجوانان بزهکار که در مرکز اصلاح و تربیت شهر تهران (واحد دختران) تحت مراقبت قرار گرفته‌اند گردید. جهت انجام نمونه‌گیری نوجوانان غیر بزهکار دختر نیز، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. به این ترتیب که در مرحله اول، منطقه دو از بین مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب گردید. در مرحله دوم از میان دبیرستان‌های منطقه انتخابی، سه دبیرستان دخترانه انتخاب شدند. در نهایت از هر مدرسه دو کلاس انتخاب گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه دموگرافیک (محقق ساخته) استفاده گردید. همچنین جهت بررسی سبک‌های دلبستگی، از مقیاس دلبستگی کولینز و رید استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ این ابزار م برابر با ۰/۶۵ و ضریب همسانی درونی این مقیاس ۰/۵۱ برآورد گردید. جهت بررسی تمایلات جمع‌گرایانه روان‌شناختی از پرسشنامه جمع‌گرایی جکسون و همکاران استفاده گردید (Jackson, Colquitt, Wesson, & Zapata-Phelan, 2006). ضریب آلفای کرانباخ این مقیاس برابر با ۰/۸۵ برآورد شد.



آنالیز داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری رگرسیون لجستیک، رگرسیون چندگانه، همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس چند متغیری و آزمون T گروه‌های مستقل استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱: توزیع فراوانی سنی نمونه مورد بررسی بر حسب غیربزهکار و بزهکار بودن

سن	غیر بزهکار		بزهکار	
	فراوانی درصد		فراوانی درصد	
۱۴ تا ۱۵ سال	۳۷	۳۳/۰	۱۲	۳۶/۳
۱۶ تا ۱۷ سال	۵۶	۵۰/۰	۱۵	۴۵/۵
۱۸ سال	۱۹	۱۷/۰	۶	۱۸/۲
کل	۱۱۲	۱۰۰	۳۳	۱۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در مجموع نوجوانان بزهکار سطح تحصیلات پایین‌تری از همسالان غیربزهکار خود دارند.

جدول ۲: توزیع فراوانی سطح تحصیلات نمونه مورد بررسی بر حسب غیربزهکار و بزهکار بودن

تحصیلات	غیر بزهکار		بزهکار	
	فراوانی درصد		فراوانی درصد	
بی سواد	۰	۰	۲	۶/۱



ابتدایی	۰	۰	۲	۶/۱
راهنمایی	۰	۰	۱۲	۳۶/۳
متوسطه	۱۰۷	۱۰۷	۱۷	۵۱/۵
کل	۱۰۷	۱۰۰	۳۳	۱۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در مجموع نوجوانان بزهکار سطح تحصیلات پایین‌تری از همسالان غیربزهکار خود دارند.

جدول ۳: توزیع فراوانی تحصیلات والدین نمونه مورد بررسی بر حسب غیربزهکار و بزهکار بودن

تحصیلات	غیر بزهکار		بزهکار		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
	مادر	پدر	مادر	پدر				
بی سواد	۲	۱/۹	۵	۱۶/۷	۲	۷/۴		
زیردیپلم	۲۳	۲۱/۳	۱۲	۴۰/۰	۱۶	۵۹/۳		
دیپلم	۶۴	۵۹/۳	۱۳	۴۳/۳	۷	۲۵/۹		
فوق دیپلم	۶	۵/۶	۰	۰	۱	۳/۷		
لیسانس	۱۱	۱۰/۲	۰	۱۳/۱	۱	۳/۷		
فوق	۲	۱/۹	۰	۰	۰	۰		
			۵/۷		۶			



لیسانس و

بالتر

کل ۱۰۸ ۱۰۰ ۱۰۷ ۱۰۰ ۳۰ ۱۰۰ ۲۷ ۱۰۰

نتایج جدول ۳ بیانگر آن است که در مجموع سطح تحصیلات والدین (پدر و مادر) نوجوانان بزهکار پایین تری از پدر نوجوانان غیربزهکار می باشد.

جدول ۴: نتایج مربوط به ضرایب و آماره والد و مقادیر احتمال برای هریک از متغیرهای پیش بین

نسبت	خطای		معیار	میانگین	ضریب	پیش رگرسیون	متغیرهای
	درجه	سطح معنی برتری					
Exp(B)	داری	آزادی					
۰/۹۰۲	۰/۰۷۸	۱	۳/۱۰	۰/۰۵۹	-۰/۱۰		دل بستگی ایمن
							دل بستگی
۱/۱۸۸	۰/۰۱۶	۱	۵/۷۸	۰/۰۷۲	۰/۱۷		دل بستگی
							ناایمن
							اجتنابی
							گام اول
۰/۹۸۰	۰/۵۹۵	۱	۰/۲۸	۰/۰۳۸	-۰/۰۲		دل بستگی
							ناایمن
							دوسوگرا
۰/۱۳۴	۰/۰۹۴	۱	۲/۸۱	۱/۲۰۱	-۲/۰۱		مقدار ثابت



بر اساس نتایج جدول فوق می‌توان ملاحظه نمود که از بین متغیرهای پیش بین تنها سبک دلبستگی نایمن اجتنابی توانایی تبیین بزهکار یا غیر بزهکار بودن نوجوانان را به صورت پایا دارد. مقادیر ضرایب نشان می‌دهد که افزایش میزان دلبستگی نایمن با افزایش شانس بزهکار شدن نوجوانان با عاملی از ۱/۱۸۸ همراه است و به عبارت دیگر هر واحدی که به نمره دلبستگی نایمن اضافه شود شانس بزهکار شدن نوجوانان ۱/۱۸۲ افزایش می‌یابد.

جدول ۵: نتایج مربوط به ضرایب و آماره والد و مقادیر احتمال برای متغیر پیش بین

نسبت	خطای		درجه	معیار	B	متغیر پیش بین
	ضریب	رگرسیون				
برتری	سطح	Wald	آزادی	میانگین	معنی داری	Exp(B)
						جمع‌گرایی
۰/۹۷۴	۰/۱۳۰	۲/۲۹	۱	۰/۰۲	-۰/۰۳	گام اول روانشناختی
۱/۱۱	۰/۹۰۰	۰/۰۲	۱	۰/۸۲	۰/۱۰	مقدار ثابت



بر اساس نتایج جدول فوق می‌توان ملاحظه نمود جمع‌گرایی روان‌شناختی توانایی تبیین بزهکار یا غیر بزهکار بودن نوجوانان را به صورت پایا ندارد. مقادیر ضرایب نشان می‌دهد که افزایش میزان جمع‌گرایی روان‌شناختی با کاهش احتمال بزهکار شدن نوجوانان همراه است هرچند که این عامل معنادار نیست.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و جمع‌گرایی روان‌شناختی در

نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار

نتایج جدول ۶ بیان‌گر آن است که از میان سبک‌های دلبستگی تنها سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی همبستگی مثبت و معناداری ۰/۵۵ با جمع‌گرایی روان‌شناختی در نوجوانان بزهکار دارد ($P < ۰/۰۱$). به عبارت دیگر با افزایش میزان دلبستگی ناایمن اجتنابی، میزان جمع‌گرایی روان‌شناختی آنها بالا آمده و با کاهش دلبستگی ناایمن اجتنابی، میزان جمع‌گرایی روان‌شناختی آنها کاهش می‌یابد. از سویی دیگر بین دلبستگی ایمن و جمع‌گرایی روان‌شناختی نوجوانان غیربزهکار همبستگی مثبت و معنادار ۰/۲۴ وجود دارد ($P < ۰/۰۱$). به عبارت دیگر با افزایش میزان دلبستگی ایمن، میزان جمع‌گرایی روان‌شناختی

جمع‌گرایی روان‌شناختی

متغیر	غیر بزهکار		بزهکار	
	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
دلبستگی ایمن	۰/۲۴	۰/۰۲۱	۰/۱۵	۰/۴۲۳
دلبستگی ناایمن اجتنابی	۰/۱۲	۰/۲۶۵	۰/۵۵	۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن دوسوگرا	-۰/۱۳	۰/۲۱۸	۰/۳۲	۰/۰۷۸



نوجوانان غیربزهکار بالا آمده و با کاهش دل بستگی ایمن، میزان جمع گرایی روانشناختی آنها کاهش می یابد.

جدول ۷: رگرسیون همزمان برای پیش بینی جمع گرایی روانشناختی نوجوانان بزهکار

متغیر های پیش بین	ضریب		ضریب ثابت	ضریب	F _(۳و۲۶)
	انحراف	ضریب غیر			
استاندارد B	معیار	استاندارد T	a	همبستگی R	تیین R ^۲
		β			
دل بستگی ایمن	-۰/۶۰	۰/۶۰	-۰/۱۹	-۱/۰۰	۱۹/۷۵
دل بستگی نایمن	۲/۱۰	۰/۷۲	۰/۶۸	۲/۹۳*	۰/۳۲
اجتنابی					۴/۱۵*
دل بستگی نایمن	-۰/۱۶	۰/۴۸	-۰/۰۷	-۰/۳۳	
دوسوگرا					

نتایج نشان می دهد: در نوجوانان بزهکار در مجموع سبک های دل بستگی (ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا) با جمع گرایی

روانشناختی ۰/۵۷ همبستگی داشته و حدود ۳۲ درصد از تغییرات جمع گرایی روانشناختی را تبیین می کنند که این مقدار با

توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس معنادار می باشد ($p < ۰/۰۵$). در ضمن نتایج گویای آن است که تنها ضریب پیش بینی

غیر استاندارد B و استاندارد β دل بستگی نایمن اجتنابی معنادار بوده ($p < ۰/۰۵$) و این ضریب هم مثبت می باشد.



$F_{(۳,۲۶)}$	ضریب	ضریب	ضریب	ضریب	ضریب غیر	انحراف	متغیر های
	تبیین	همبستگی	ضریب ثابت a	T استاندارد	استاندارد B	معیار	پیش بین
	R^2	R		β			
۳/۰۹*	۰/۱۰	۰/۳۲	۳۳/۹۳				
				۲/۳۱*	۰/۲۵	۰/۲۹	دلبستگی ایمن ۰/۶۷
				۱/۲۹	۰/۱۴	۰/۳۶	دلبستگی ناایمن اجتنابی ۰/۴۶
				-۱/۶۶	-۰/۱۸	۰/۱۸	دلبستگی ناایمن ۰/۳۰
							دوسوگرا

جدول ۸. رگرسیون همزمان برای پیش بینی جمع‌گرایی روانشناختی نوجوانان غیربزهکار

نتایج نشان می‌دهد: در نوجوانان غیربزهکار در مجموع سبک‌های دلبستگی (ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا) با جمع‌گرایی روانشناختی ۰/۳۲ همبستگی داشته و حدود ۱۰ درصد از تغییرات جمع‌گرایی روانشناختی را تبیین می‌کنند که این مقدار با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس معنادار می‌باشد ($p < ۰/۰۵$). همچنین نتایج گویای آن است که تنها ضریب پیش‌بینی غیر استاندارد b و استاندارد β دلبستگی ایمن معنادار بوده ($p < ۰/۰۵$) و این ضریب هم مثبت می‌باشد.



جدول ۹. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه سبک‌های دلبستگی در دو گروه

$F_{(1,128)}$	$F_{(1,128)}$	$F_{(1,128)}$	$F_{(3,126)}$	بزهکار		غیربزهکار		سبک
				انحراف	میانگین	انحراف	میانگین	
ناایمن	ناایمن	ایمن	چند متغیره	معیار	معیار	معیار	معیار	دلبستگی
				۵/۰۹	۱۷/۹۰	۳/۸۰	۱۸/۶۲	ایمن
۰/۱۹	۴/۱۳*	۰/۷۲	۲/۳۶	۵/۲۵	۱۸/۸۰	۳/۰۹	۱۷/۲۵	ناایمن
				۶/۶۲	۱۸/۸۷	۶/۱۶	۱۸/۳۰	ناایمن دوسوگرا

با توجه به نتایج جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که: ترکیب خطی سبک‌های دلبستگی (ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا) در دو گروه بزهکار و غیر بزهکار با یکدیگر تفاوت ندارند ($p > 0.05$, $F_{(3,126)} = 2.36$). در ادامه برای اینکه بدانیم که آیا تفاوتی بین هر یک از سبک‌های دلبستگی ایمن، ناایمن و ناایمن دوسوگرا وجود دارد یا نه، از آزمون آنووا استفاده شد. نتایج این آزمون گویای آن است که: از میان سبک‌های دلبستگی تنها میانگین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی دو گروه با یکدیگر تفاوت داشته ($p < 0.05$, $F_{(1,128)} = 4.13$) و با توجه به میانگین‌های بدست آمده، نوجوانان بزهکار بیشتر از نوجوانان غیر بزهکار دلبستگی ناایمن دارند.



جدول ۱۰. نتایج آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه جمع‌گرایی روانشناختی دو گروه بزهکار و غیر بزهکار

سطح معناداری	Df	بزهکار		غیربزهکار		متغیر
		t	میانگین انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	
۰/۲۲۴	۳۹/۸۵	۱/۲۴	۱۵/۵۷	۴۴/۵۳	۱۰/۱۵	۴۸/۱۶ جمع‌گرایی

نتایج نشان می‌دهد که بین دو گروه از نظر میانگین نمرات جمع‌گرایی روانشناختی تفاوت معناداری وجود ندارد ($P < 0/05$) هرچند که به نظر می‌رسد میانگین نمرات جمع‌گرایی روانشناختی غیر بزهکاران بیشتر از میانگین نمرات جمع-گرایی روان شناختی بزهکاران می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های مختلفی در زمینه‌ی جمع‌گرایی در کشورهای مختلف صورت گرفته است اما کمتر به بررسی رابطه‌ی این متغیر با رفتارهای بزهکاری پرداخته‌اند. برخی از پژوهش‌هایی که در دیگر کشورها به بررسی این موضوع پرداخته‌اند، نشان داده است که جمع‌گرایی رابطه‌ی معنادار (منفی و یا مثبت) با بزهکاری نوجوانی دارد. از آنجا که تاکنون در ایران رابطه‌ی جمع‌گرایی با بزهکاری مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا امکان انجام این تحقیق در بخش کوچکی از یک جامعه‌ی ایرانی (دختران بزهکار و غیر بزهکار شهر تهران) فراهم گشت. جهت بررسی ویژه و دقیق‌تر این موضوع علاوه بر جمع‌گرایی، کیفیت دل بستگی به طور همزمان در رابطه با بزهکاری مورد بررسی قرار گرفت. مجموع نتایج بدست آمده از پژوهش بیان‌گر آن است که سبک دل بستگی نا ایمن - اجتنابی نقش بسیار مهمی (ارتباط مثبت) در بروز رفتارهای بزهکارانه در نوجوانی دارد. نتایج مذکور، با یافته‌های بدست آمده پژوهشگرانی چون محمدی و مشهدی (Mashhadi & Mohammadi, 2010)، نجانی و همکاران



(Smith, 2018) همخوانی دارد. (Nejati, Zabihzadeh, Khalili, & Rameshi, 2017) اسمیت و همکاران (Wambua و همکاران (۲۰۱۸) نیز مدعی شدند دل‌بستگی نایمن موجب ایجاد مشکلاتی در سلامت روان نوجوانان می‌شود که خود زمینه ساز بروز رفتارهای بزهکارانه در آن‌هاست. بعلاوه، در این پژوهش مشخص شد که دل‌بستگی نایمن اجتنابی رابطه‌ی مثبت و معناداری با جمع‌گرایی روان‌شناختی دارد. همچنین بین این دو متغیر در گروه بزهکار، همبستگی مثبت و معنادار دیده شد. در تبیین یافته‌ی مذکور (همبستگی بین دو متغیر مذکور در نوجوانان بزهکار) می‌توان چنین بیان داشت که در نگاه اول، وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر دل‌بستگی نایمن اجتنابی و جمع‌گرایی روان‌شناختی در نوجوانان بزهکار، به سه دلیل غیر قابل انتظار است. دلیل اول آنکه، از آن‌جا که مطالعات انجام گرفته در زمینه‌ی کیفیت دل‌بستگی در فرهنگ‌های جمع‌گرا بیان‌گر آن است که والدین در این فرهنگ‌ها به شدت از لحاظ پاسخدهی به نیازهای کودک بسیار حساس هستند در نتیجه، پیدایش الگوی دل‌بستگی اجتنابی در فرزندان دور از انتظار است (Gadami, 2014; Ghassami, Amiri, Kalantari, & Talebi, 2020) دلیل دیگر آن که، با توجه به ویژگی‌های ذکر شده در مورد افراد با دل‌بستگی اجتنابی به نظر نمی‌رسد که آن‌ها به جهت سوظن و عدم اعتماد به دیگران تمایلی به برقراری روابط دوستانه و عضویت در گروه‌های همسالان داشته باشند. و دلیل آخر آن که، روش‌های تربیتی به کار گرفته شده در اغلب فرهنگ‌های جمع‌گرا که تاکنون ذکر گردیده است، با شیوه‌های تربیتی که در افراد با دل‌بستگی اجتنابی به کار می‌رود همخوان نمی‌باشد (Ahadi, 2020). دیگر یافته قابل توجه آنکه، در گروه غیر بزهکار، بین دو متغیر دل‌بستگی ایمن و جمع‌گرایی روان‌شناختی همبستگی مثبت و معنادار مشاهده گردید. نتیجه‌ی این بررسی بر خلاف نتایج بدست آمده توسط JiYeon می‌باشد (Seol, 2016) می‌توان چنین تبیین نمود که با توجه به مطالعات انجام گرفته در زمینه‌ی کیفیت دل‌بستگی در فرهنگ‌های جمع‌گرا که نشان می‌دهد، والدین در این فرهنگ‌ها به شدت از لحاظ پاسخدهی به نیازهای کودک بسیار حساس هستند. در نتیجه دور از انتظار نیست که میزان دل‌بستگی ایمن در چنین فرهنگ‌هایی در حد بالا باشد. همچنین باید گفت که در فرهنگ‌های جمع‌گرا گرچه



والدین مستبد خواستار تبعیت و فرمانبرداری (از سوی فرزندان) خود هستند و ممکن است محدودیت‌هایی را ایجاد کنند اما ممکن است ضرورتاً برخوردهای طردآلود و فقدان صمیمیت در آن‌ها وجود نداشته باشد (Soto, 2010). سلطه و استبداد والدین در فرهنگ‌های جمع‌گرا تا حدود زیادی بهنجار محسوب می‌شود و به معنای فقدان گرمی و صمیمیت نمی‌باشد (Yaman et al., 2010) در واقع می‌توان گفت که برخلاف تصویری که در مورد عدم استقلال و هویت فردی در فرهنگ‌های جمع‌گرا وجود دارد. بر خلاف تصویری که در مورد فرهنگ‌های جمع‌گرا وجود دارد (از قبیل بی توجهی به حقوق فرد، عدم استقلال و خودمختاری و هویت فردی)، اما این یافته نشان می‌دهد که استقلال و هویت فردی که ویژگی بارز افراد با دلبستگی ایمن است، همچنان در یک بافت جمع‌گرا همچون جامعه‌ی ایران که طبق موازین دین اسلام همزمان به حقوق فردی و جمعی ارج نهاده می‌شود، می‌تواند وجود داشته باشد. در صورت وجود چنین شرایطی است که می‌توان گفت که احتمال گرایش به سمت جرم و انحراف در نوجوانان کاهش می‌یابد.

یافته‌ی دیگر آنکه، بر خلاف پژوهش‌های قبلی رابطه‌ی معناداری بین جمع‌گرایی و بزهکاری در این تحقیق به تأیید نرسید. چرا که تفاوت معنی‌داری بین جمع‌گرایی گروه بزهکار و غیر بزهکار دیده نشد. این تحقیق تنها در بخش کوچکی از یک جامعه‌ی ایرانی انجام گرفت شاید این تفاوت اندک بین دو گروه مذکور از لحاظ نمره‌ی جمع‌گرایی تأییدی بر این مطلب باشد که احتمالاً ایران یک جامعه‌ی جمع‌گرا می‌باشد. اما در بیان این مطلب باید احتیاط نمود، زیرا تحقیق تنها بر روی نمونه‌ی بسیار کوچکی از جامعه‌ی ایرانی انجام گرفته است. همچنین پایین بودن حجم نمونه‌ی دختران بزهکاران و نابرابر بودن دو گروه از لحاظ حجم نمونه را هم نباید نادیده گرفت. از آن جا که این پژوهش تنها بر روی دختران و در شهر تهران انجام گرفت، لذا ضرورت دارد که تحقیقات بعدی در این زمینه بر روی پسران و نیز در دیگر شهرهای ایران انجام پذیرد.



منابع

Ahadi, H. (2020). *Developmental Psychology of Adolescence and Adulthood Iran: Ayande*
.Derakhshan

Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. N. (2015). *Patterns of attachment: A*
Hove, East Sussex, *psychological study of the strange situation* (1st edition ed.)
.United Kingdom: Psychology Press

Alizadeh Aghdam, M.-B., Banifateme, H., Abbaszadeh, M., & Soltani Bahram, S. (2017).
Ecological citizenship and spiritual intelligence (the case of Tabriz citizens). *J Journal*
of Applied Sociology, 2, ۷۹-۹۸.

Asghar, F. A., & Ramezani, S. H. (2018). The Pathology of Youth Individualism in Iranian
.Families from the Perspective of Experts. *Female Police Studies*, 13(30), 28-44

Bowlby, J., & Ainsworth, M. (2013). The origins of attachment theory. *Attachment theory:*
Social, developmental, clinical perspectives, 45, 759-775

Fairbairn, C. E., Briley, D. A., Kang, D., Fraley, R. C., Hankin, B. L., & Ariss, T. (2018). A meta-
analysis of longitudinal associations between substance use and interpersonal
.attachment security. *Psychological bulletin*, 144(5), 532-555

Fonagy, P. (2018). *Attachment theory and psychoanalysis*. London, United Kingdom:
.Routledge



Gadami, M. (2014). Study of the relationship between attachment styles and academic high school students in Tehran. *Family and Research Quarterly*, 10(5), performance of .121-131

Ghasemi, V., & Amiri, M. (2010). Social And Cultural Assimilation Of Iranian Migrants In The U.S.A. *Journal Of Social Sciences*, 4(8), 131-158

Ghassami, M., Amiri, S., Kalantari, M., & Talebi, H. (2020). The role of maternal factors in the development of children's behavioral problems: implications in parenting. *Clinical Psychology Personality*, 18(2), 21-36

Hasani, M. (2019). Relation Between Family Interdependency and Shaming with Delinquency (Study: Third High School Students from Tabriz City). *Journal of Applied Sociology*, 30(2), 137-164

Hirschi, T., & Gottfredson, M. (1993). Commentary: Testing the general theory of crime. *Journal of research in crime delinquency*, 30(1), ۴۷-۵۴

Hoffmann, J. P., & Dufur, M. J. (2018). Family social capital, family social bonds, and juvenile delinquency. *American Behavioral Scientist*, 62(11), 1525-1544

Hofstede, G. (1983). National cultures revisited. *Behavior Science Research*, 18, ۲۸۵-۳۰۵

Howe, P. (2020). The Crucible of Adolescence. In *Teen Spirit* (pp. 33-51): Cornell University Press



Jackson, C. L., Colquitt, J. A., Wesson, M. J., & Zapata-Phelan, C. P. (2006). Psychological to group member performance. *J collectivism: A measurement validation and linkage*

Journal of Applied Psychology, 91(4), 884-899

Khanjani, Z., Mahmoud Alilou, M., & Ahmadi, Z. (2020). The Structural Relationships between Attachment Styles and Depression: The Mediation Role of Theory of Mind.

Modern Psychological Researches, 15(58), 205-220 Journal of

Lawrence, P. J., Rooke, S. M., & Creswell, C. (2017). Prevention of anxiety among at-risk children and adolescents—a systematic review and meta-analysis. *Child adolescent*

mental health, 22(3), 118-130

LeMoult, J., Humphreys, K. L., Tracy, A., Hoffmeister, J.-A., Ip, E., & Gotlib, I. H. (2020). Meta-analysis: exposure to early life stress and risk for depression in childhood and adolescence. *Journal of the American Academy of Child Adolescent Psychiatry*

.۸۵۵-۸۴۲

Markus, H. R., & Kitayama, S. (2010). Cultures and selves: A cycle of mutual constitution.

Perspectives on psychological science, 5(4), 420-430

Mashhadi, A., & Mohammadi, M. (2010). A Comparative Study of Attachment Styles in Normal and Delinquent Adolescents. *Research in Clinical Psychology Counseling*

.۱۴۰-۱۲۷ (۳)۱۰



Mishra, A., Maheswarappa, S. S., Maity, M., & Samu, S. (2018). Adolescent's eWOM intentions: An investigation into the roles of peers, the Internet and gender. *Journal of Business Research*, 86, 394-405

Montgomery, E., Just-Østergaard, E., & Jervelund, S. S. (2019). Transmitting trauma: a systematic review of the risk of child abuse perpetrated by parents exposed to traumatic events. *International Journal of Public Health*, 64(2), 241-251

Nejati, V., Zabihzadeh, A., Khalili, A., & Rameshi, M. (2017). Comparison of attachment styles in criminal court convicts and ordinary people. *Intelligence and Criminal Research* 45(12), 55-74

Nevisi, H. M. (2019). Family Impact on Social Violence (Juvenile Delinquency) in Children and Adolescents. *SM J Forensic Res Criminol*, 3(1), 1017-1030

Pokhrel, P., Bennett, B. L., Regmi, S., Idrisov, B., Galimov, A., Akhmadeeva, L., & Sussman, S. (2018). Individualism-collectivism, social self-control and adolescent substance use and risky sexual behavior. *Substance use misuse*, 53(7), 1057-1067

Saputra, T. (2017). The relationship between family functioning and juvenile delinquency at SMKN 4 Pekanbaru. *Jurnal Psikologi Pendidikan dan Konseling: Jurnal Kajian Psikologi Pendidikan dan Bimbingan Konseling*, 3(1), 21-26

Sawyer, S. M., Azzopardi, P. S., Wickremarathne, D., & Patton, G. C. (2018). The age of adolescence. *J The Lancet Child Adolescent Health*, 2(3), 223-228

disclosure in American friendships: links with collectivism and adult attachment styles. (Masters Thesis), San Francisco State University



Smith, S. A. (2018). *Homelessness: associations between childhood adversity, attachment, impulsivity and maladaptive behaviours*. (Doctoral Thesis,), University of Southampton, United Kingdom

Soto, D. A. (2010). *Hispanic youth & delinquency: A longitudinal examination of generational status, family processes, & neighborhood context*. (Doctor Of Philosophy), Bowling Green State University, United States

Suh, E., & Choi, S. (2018). *Predictors of subjective well-being across cultures*. Salt Lake City: UT: DEF

Susan Nolen-Hoeksema , Barbara L. Fredrickson, Geoffrey R. Loftus, & Christel Lutz. (2015). *Psychology* (16th Edition ed.). Boston, Massachusetts, United States: *Introduction To* Cengage Learning

Takano, Y., & Osaka, E. (2018). Comparing Japan and the United States on individualism/collectivism: A follow-up review. *J Asian Journal of Social Psychology*, 21(4), 301-316.

Triandis, H. C., Bontempo, R., Villareal, M. J., Asai, M., & Lucca, N. J. J. o. p. S. P. (1988). Individualism and collectivism: Cross-cultural perspectives on self-ingroup relationships. *54(2)*, 323-338

Verhoeven, M., Poorthuis, A. M., & Volman, M. (2019). The role of school in adolescents' identity development. A literature review. *Educational Psychology Review*, 31(1), 35-



Ward, C., Bochner, S., & Furnham, A. (2020). *The psychology of culture shock* (2nd Edition ed.). London: Routledge

Wong, Y. J., Wang, S.-Y., & Klann, E. M. (2018). The emperor with no clothes: A critique of collectivism and individualism. *J Archives of Scientific Psychology*, 6(1), 251-260

Yaman, A., Mesman, J., van IJzendoorn, M. H., Bakermans-Kranenburg, M. J., Linting, M. J. J. o. C., & Studies, F. (2010). Parenting in an individualistic culture with a collectivistic cultural background: The case of Turkish immigrant families with toddlers in the Netherlands. *19(5)*, 617-628

delinquency among Asian American youth: A review Zhuo, Y., & Zhang, S. (2018). Crime and of the evidence and an agenda for future research. In *The Handbook of Race, Ethnicity, Crime, Justice* (pp. 129-146)